

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۰۲

اختر محمد یوسفی

## تقلید کور کورانه "اسلام" سیاسی در افغانستان؟

اعراب با ایجاد ساختار دولتی مذهبی در طی قرن‌ها برای تصرف سرزمین افغانستان امروزی لشکرکشی نمودند، سرزمین امروزی افغانستان در آن زمان یکی از مهمترین و بزرگترین مراکز تمدن بودایی در براعظم آسیا بود. تصرف آن زمان افغانستان کار آسان نبود. هر بار که لشکر کشتی های اعراب به مقصد تصرف سرزمین امروزی افغانستان صورت گرفته با مقاومت سرسخت ساکنان آن روبرو گردیده و لشکرکشی های اعراب شکست خورده بودند.

در عکسهای زیر شما تصاویر از آثار تمدن های بزرگ بودایی در افغانستان را می بینید.



یکی از علل شکست های لشکرکشی های پی در پی اعراب بدوی در برابر تمدن بودایی در سر زمین امروزی افغانستان در آن بوده که مراکز بودایی و حوزه های مدنی بودایی از پیشرفتهای علم و تخنیک همان عصر بمراتب از اعراب بدوی پیشرفته تر بودند و اعراب نتوانستند افغانستان را با آسانی اشغال کنند.

اعرات در زمان خلفای راشدین از سال ۶۳۲ تا سال ۶۶۱ میلادی، در مدت ۳۰ سال، قلمرو آسیایی امپراتوری بیزانس را تا دمشق شام و مصر و آفریقای شمالی را تا عراق، ایران الی سرحدات افغانستان را فتح نمود. اعراب در زمان حکمروایی اموی ها تنها نتوانستند از مسیر هرات تا بلخ در شمال افغانستان امروزی عبور کنند، مگر لشکر کشتی های متعدد اعراب در آن زمان نتوانستند قسمتهای از سرزمین های امروزی افغانستان مرکزی، جنوبی و شرقی را تصرف نمایند.

با سقوط دولت امویان در زمان حکمروایی امپراتوری پنج قرن خلافت عباسیان بود که ابومسلم خراسانی در وقت سلطه امپراتوری عباسیان توانست بکمک سران و رجال برجسته سرزمین امروزی افغانستان مذهب اسلام را در افغانستان نفوذ دهد.

امپراتوری عباسیان در امور دولت دارای و فرهنگ خود را داشتند، امپراتوری عباسیان در امور دولت داری خود مانند خلافت اعراب نبودند.

قبل از آنکه پیرامون تقلید کور کورانه "اسلام" سیاسی در افغانستان معاصر بحث مختصر نمایم، توجه شما را به بصورت عموم با شکل مقایسوی دولتهای مذهبی با پیشرفتهای تحولات ارزشمند و تجارب ایجاد ساختار سیاسی - اجتماعی دولتهای سکولار (جدایی مذهب از سیاست) که ممثل دولتهای مدرن پیشرفته در قرن (۲۰) بیستم و (۲۱) بیست یکم میلادی در جوامع بشری می باشد جلب نمایم.

تسلط طولانی تاریخی ایدئولوژیک مذهبی در حاکمیت دولتها بعد از خلفای راشدین فکتور مذهبی در ایجاد و پیشبرد امور دولتی نه تنها آنکه امتیازات خاصی را برای اقدار بالائی رهبران مذهبی به شکل غیر عادلانه آن در جوامع بوجود آوردند، بلکه در عین زمان اختلافات دینی و مذهبی را به شکل افراطیت مذهبی در بین پیروان ادیان رشد بیسابقه دادند که باعث جنگهای خونین مذهبی و قتل میلیونها انسان بیگناه در جوامع بشری گردیده است. بگونه مثال لشکر کشتی های ترکان عثمانی در اروپا بر اساس اختلافات مذهبی صورت گرفت که در آن پیروان بیگناه مذاهب مختلف یکدیگر خود را به اوامر رهبران مذهبی در جنگها کشتند. در اروپا جنوبی بخصوص در هسپانیه و پرتغال در نتیجه جنگهای مذهبی پیروان مذهب اسلام و عیسوی ساختمانها اماکن عبادات مساجد و کلیسا ها را به آتش زدند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

هنوز هم بقایای ساختمانهای وجود دارد که از کلیسا به مسجد و از مسجد به کلیسا بارها تبدیل گردیده است. این تبادل اماکن مقدس بارها مانند مسجد اقسا در فلسطین و مسجد آیودیا (مسجد بابری) در هندوستان صورت گرفته که کشتار و خونریزی بیشماری را با خود داشتند. در حال حاضر وارثین ترکان عثمانی در کشور خویش در عوض دولت و قانون مذهبی، دارای قانون و دولت سکولار هستند. ساختار دولت و قوانین در ترکیه سیاست از مذهب جدا ساختند که اکنون پیشرفت و ترقی را کشورشان پیاده کرده اند.

یکی از نمونه های زنده پیشرفت ترکیه اینست که اکنون نیمی از واردات در مارکیت تجارتي افغانستان از محصولات و تولیدات کشور ترکیه است.

هرگاه به تاریخ گذشته اختلافات و قدرت طلبی حکمروایی دولتهای مذهبی در جوامع بشری عمیقاً نگاه کنیم بوضاحت دیده می شود که نقش قدرت طلبی دولتهای مذهبی ویرانی های زیادی را در حیات جوامع بشری بوجود آورده و راه جدایی سیاست از مذهب را برای منافع ملی خویش لازمی شمرده اند. دولت های سکولار بحیث بدلیل عادلانه در قرن (۲۰) بیستم و (۲۱) بیست یکم میلادی پای عرصه وجود نهاده است.

جدایی دین از سیاست آنطوریکه افراطیون مذهبی تبلیغ میکند عدم پیروی از دین نیست، بلکه بر عکس آزاد های ادیان در قوانین دولتی کشورهای سکولار تسجیل گردیده و پیروان مذاهب مختلف در سرزمین مشترک خویش مناسک دینی خود آزادانه ادا می نمایند.

در تاریخ طولانی دولتهای مذهبی در نتیجه اختلافات مذهبی اسلامی و غیر اسلامی با پیروی از طرز دید افراطیت مذهبی در بین پیروان مذاهب مختلف بشمول دو مذهب اسلامی اهل سنت و پیروان مذهب جعفریه وجود دارد که میلیونها پیرو هر مذهب بیگانه به قتل رسیده است.

در جنگهای سال ۱۹۹۳ میلادی در کابل بین پیروان اهل سنت برهیری عبدالرسول سیاف با حمایت مستقیم عربستان سعودی و پیروان مذهب جعفریه برهیری عبدالعلی مزاری که از حمایت مستقیم ایران برخوردار بودند، جنایات هولناک را در کابل انجام دادند که یکی از خشنترین نمونه های جنایات ضد بشری در تاریخ جنگهای مذهبی شمرده می شود.

ایجاد دولتهای مدرن سکولار در قرن (۲۰) بیستم و (۲۱) بیست یکم میلادی عبارت از جداساختن سیاست از مذهب همگام با انقلابات اجتماعی بود که دولتهای مدرن سکولار را بوجود آوردند. در یک کشور سکولار، دولت و قوانین درباره دین و مذهب بی طرف عمل می کنند، و در هیچ فرقه یا مسلکی رسماً ترجیح نمی دهد. در یک کشور سکولار، به طور رسمی به افراد در یک کشور سکولار خاصی بخاطر داشتن دین و مذهب ارزش خاصی امتیازی داده نمی شود. در کشور سکولار دین و مذهب یک امر شخصی محسوب می گردد و در اجرای مناسک دینی و مذهبی اجباری وجود ندارد، بلکه حقوق تمام اتباع توسط قانون یکسان عادلانه عملی می شود. افراطیت مذهبی تنها و تنها مختص در بین پیروان دین مقدس اسلام نیست، بلکه افراطیت مذهبی در سایر ادیان و مذاهب نیز وجود دارد که مشکلات زیادی را برای پیروان دینی خود و پیروان سایر ادیان در جوامع بشری را بوجود آورده اند.

مردم مؤمن افغانستان قرنهای اخیر در کشور آبی خویش در عدم موجودیت افراطیت مذهبی با پیروان سایر اقلیت های مذهبی هندو، سیک، پیهود، اسماعلیه و غیره با اتباع کشور خود بدون خشونت با صلح و همزیستی بشکل عنعنوی زندگی کرده بودند.

افراطیون مذهبی در اثر تحریکات بیگانگان در چند دهه اخیر دست به اعمال افراطی مذهبی "اسلامی" در کشور به شیوه های انارشستی و جنگ زدند. افراطیون مذهبی با تحریک دشمنان بیرونی میهن زیبا افغانستان را به پرتگای نابودی سوق داده اند. تحریکات و اعمال حناپتکارانه افراطیون مذهبی "اسلامی" در افغانستان هیچ نوع رابطه با اوامر دین مقدس اسلام و قران پاک الهی ندارد.

هر با نتایج عملی ناکام پیروان اخوان المسلمین و وهابی ها در مصر و عربستان سعودی ببینیم، محصول پیرو طرز دید اخوان المسلمین وهابی مصر و عربستان سعودی سازمان القاعده و داعش است، که بجز کشتار بیگناهان و ویرانی سرزمینهای کشورهای اسلامی هیچ چیزی دیگری بجز تخریب دین اسلام و بدنامی مسلمان با خود به ارمغان ندارند.

تنظیم های "جهادی" افغانستان مقیم پاکستان بشمول طالبان که اکثریت اعضای آنان را اهل تسنن تشکیل میدهند بکمک دستگاه استخباراتی آی. اس. آی پاکستان و عربستان سعودی روابط عمیق خود با افراطیون "اسلامی" اساس گذاشتند. تنظیم های "جهادی" بخصوص فارغ التحصیلان الازهر که با شبکه های روابط اخوان المسلمین وهابی مصر و عربستان سعودی بشمول طالبان در طی چهار دهه جنگ در افغانستان از حمایت مستقیم سازمان القاعده، داعش و سایر تروریستان بین المللی برخوردار بودند و هنوز این روابط شان ادامه دارد.

قطع رابطه طالبان در عمل با شبکه های اخوان المسلمین وهابی مصر و عربستان سعودی مانند سازمان القاعده، داعش و سایر تروریستان بین المللی براساس تقاضای ایالات متحده امریکا مطابق توافقنامه قطر با طالبان ناممکن است.

با سقوط دولت محمد رضا شاه در سال ۱۹۷۸ میلادی مطابق ۱۳۵۷ شمسی در ایران خمینی دولت و قوانین را بر اساس مذهب شیعه گذاشت و نام آنرا هلال شیعه نامید. هدفش از ایجاد هلال شیعه بوجود آوردن امپراتوری شیعیان در کشور اسلامی شرق میانه چون عراق، بشمول افغانستان بود.

در عراق هلال شیعه بیشتر روی تحریکات نظامی سپاه قدس که قاسم سلیمانی آنرا به پیش می برد تکیه می نمود. هلال شیعه در عراق با اندیشه ملی گرایانه جدایی سیاست از مذهب آیت الله سیستانی رهبر مقتدر شیعیان عراقی مواجه گردید و اکنون مردم عراق شعارهای مرگ بر ایران و خروج سپاه قدس را از عراق تقاضا دارند.

خمینی و خامنه بدین منظور شبکه استخباراتی سپاه قدس را ایجاد کرده و شاخه آنرا برای حمایت پیروان خط "امام" و مدارس آن در نقاط مرکزی، شمال و شمال غرب در بین مناطق مسکونی شیعیان افغانستان توظیف ساخته اند. "حزب" وحدت و فارغ التصلیلان مدرسه قم بشمول طیف متحدان آن از حمایت مستقیم ایران و سپاه پاسداران برخوردار هستند که در تداوم جنگ در افغانستان نقش دارند.

پیروان افراطیون مذهبی "حزب" وحدت بر رهبری کریم خلیلی و محمد محقق، شورای نظار بر رهبری عبدالله عبداللہو گلجمن رشید دوستم که از حمایت مستقیم ایران روسیه و ترکیه برخوردار هستند با طالبان و سایر حلقات افراطی "جهادی که از حمایت پاکستان و اعراب برخوردار هستند دو روی یک سکه هستند، که در بغاوت ها و اعمال انارشستی در افغانستان نقش تخریبی خود را بازی میکند.

عباس ستانگری یکی سخنگویان طالبان در نقش گودی کوکی آی. اس. آی. در قطر ملبس با لباس کارخانه استخباراتی آی. اس. آی پاکستان با امضاء توافقتنامه غیر قانونی طالبان با امریکا که هنوز رنگ قلم در روی کاغذ توافقتنامه خشک نشده است مغرور گردیده است. عباس ستانگری باز خواب های امارت حکمروایی وحشت طالبان را می بیند. طالبان خلاف تمام تحولات ارزشمند تجارب ساختار اجتماعی دولتهای مدرن قرن (۲۰) بیست و (۲۱) بیست یک میلادی جوامع بشری خواهان ساختار دولت مذهبی بدوی امارت "اسلامی" در افغانستان هستند که آنرا در توافقتنامه "صلح" با امریکا گنجانیده است.

عباس ستانگری خودش یکی از جنایتکاران طالب است که غیر مسولانه مواد توافقتنامه با امریکا و موجودیت قوانین افغانستان را نادیده گرفته و با شیوه بلند پروازانه انارشستی می خواهند ملت غیور افغانستان دوباره فرمان بردار وحشت طالبان باشد.

پایان